

تکلیف پخش «اسباب زحمت» روشن شد

سریال ۲۴ قسمی «اسباب زحمت» بعد از ایام محرم و صفر دوباره روی آنتن شبکه یک می‌رود. سریال اسباب زحمت به کارگردانی سعید آقاخانی تا نهم ماه مبارک رمضان روی آنتن رفت اما همزمان با شروع جنگ تحمیلی سوم و شهادت رهبر انقلاب، پخش برنامه‌ها و سریال‌های کمدی متوقف شد. در همین حال تهیه‌کننده سریال در گفت‌وگویی اعلام کرد که کار ما کاملاً آماده و ضبط شده است

و منتظریم سیمافیلیم زمان شروع پخش را مشخص کند. تسنیم نوشت: پیگیری‌های نشان می‌دهد که سریال اسباب زحمت پس از ایام محرم و صفر از شبکه یک سیما پخش خواهد شد که به نظر می‌رسد احتمالاً پخش این سریال از ابتدا آغاز خواهد شد. داستان اسباب زحمت درباره چند کارگر با بربری است که با حضور در منازل و اماکن مختلف وارد ماجراهای طنزآمیز می‌شوند. محورهای

داستانی شامل عدم تولد فرزند «ناصرخان»، از دست رفتن سرمایه «احمد آقا» در خرید رمزارز و جهانگردی «صادق» با دو چرخه دست‌ساز است. سعید آقاخانی در کنار کارگردانی، نقش احمدآقا را نیز ایفا کرده است. از دیگر بازیگران می‌توان به حسن معجونی در نقش ناصر خان، عباس جمشیدی‌فر در نقش صادق، کمند امیرسلیمانی در نقش «طاهره خانم» و سپند امیرسلیمانی اشاره کرد.



توجه به سوژه‌های روز بدون شعارزدگی

مهم‌ترین دستاورد سریال، جرأت ورود به موضوعی ریشه‌دار و کم‌تکرار مانند زمین‌خواری، آن هم بدون شعارزدگی، حاشیه‌سازی و به‌صورت سیستمی است. «گذرگاه» کوششی است برای اثبات این حقیقت که با ریتمی مناسب و تعلیقاتی منطقی، می‌توان روایتی واقعی و تأثیرگذار از قصه‌ای عینی ارائه داد.

عبور از انفعال در طرح موضوع، بزرگ‌ترین دستاورد گذرگاه فارغ از نقدهای فنی آن است. اگرچه این مجموعه در مرز کمال نیست اما راهی تازه گشوده و نشان داده که تلویزیون همچنان می‌تواند نقش مؤثری در طرح مسائل جدی ایفا کند. امید است این اثر سرآغازی باشد برای تولید آثاری که به جای گریز از واقعیت، با زبانی دراماتیک و حرفه‌ای به دغدغه‌های اصلی مردم بپردازند. این همان مسیری است که می‌تواند رسانه را از حاشیه به متن بیاورد؛ مسیری به نام گذرگاه. البته قضاوت نهایی درباره توفیق این اثر در گرو دو چیز است: نخست، واکنش افکار عمومی در بستر شبکه‌های اجتماعی و دوم، میزان اثرگذاری این روایت بر روند واقعی برخورد با پرونده‌های مشابه. اگر این روایت بتواند گامی هرچند کوچک در جهت افزایش حساسیت عمومی نسبت به پدیده زمین‌خواری بردارد، کارکرد رسانه‌ای خود را فراتر از سرگرمی صرف، به اثری هویت‌بخش ارتقا داده است.



به بهانه پخش مجموعه این شب‌های شبکه یک نقاط مثبت آن را بررسی کرده‌ایم

مسیری به نام گذرگاه

ذات سوژه، تلاش کرده روایت خود را در بافت «درام اجتماعی» به تصویر بکشد. چرا این انتخاب هوشمندانه است؟ چون زمین‌خواری یک «جنایت لحظه‌ای» نیست؛ یک «تباهی تدریجی» است که آرام‌آرام زیر پوست شهر و زندگی مردم پیش می‌رود. زائر اجتماعی به فیلمنامه‌نویس این امکان را می‌دهد که این روند خزنده را گام‌به‌گام نشان دهد؛ از یک سند ساده، تا مفقود شدن یک خانواده یا دوست، تا رد یک محبت غیرمستقیم در گذشته یا حتی شریک شدن آدم‌های با شرارت‌های کوچک، در یک فساد کلان.

گذرگاه در این مسیر موفق عمل کرده، چون قهرمانانش نه پلیس‌های افسانه‌ای هستند و نه وکلای بی‌نقص؛ آنها آدم‌هایی هستند که در بستر زمان سرنخ یک فساد را رها نکرده‌اند. نکته مهم آنجاست که این پیگیری صرفاً از سر وظیفه شغلی یا جاه‌طلبی شخصی نیست بلکه ریشه در یک تعهد اخلاقی به دوستی قدیمی دارد که در این لحظه از تاریخ، آنها را در یک دوراهی وجودی قرار داده است؛ چشم ببندند یا بایستند. این دقیقاً همان ظرفیتی است که زائر اجتماعی در اختیار روایت می‌گذارد و همین ویژگی است که این سریال را از بسیاری آثار مشابه در دهه اخیر تلویزیون متمایز می‌کند. در واقع، سریال به خوبی از پس نمایش «فساد به مثابه فرآیند»، نه «فساد به مثابه رویداد» برآمده است.

روایتی همسطح دغدغه عمومی

در سال‌های اخیر، پرونده‌های متعدد زمین‌خواری بخش قابل توجهی از دغدغه‌های افکار عمومی را شکل داده‌اند. مردم می‌بینند که گاهی زمینی که حق آنها یا بیت‌المال است، با یک مهر جعلی یا یک رابطه به نام دیگری سند می‌خورد. این نگرانی، یک «مسأله ساختاری» است و نه یک حاشیه. نکته درخشان در انتخاب سوژه این اثر همین است: تلویزیون نشان داده که در جامعه عقب نیست و در این مورد به جای برهیز از موضوعات داغ یا محدود کردن آنها به گزارش‌های خبری ۳۰ ثانیه‌ای، وارد میدان روایت جدی شده است. تفاوت اساسی گذرگاه در این است که فساد را نه توطئه‌ای از سوی «یک

مدت‌ها بود که نام «زمین‌خواری» در تیتراژها، خطابه‌های مسئولان و کلیه‌های مردم تکرار می‌شد اما کمتر اثری در تلویزیون توانسته بود بدون گرفتار شدن در اغراق‌های امنیتی یا ساده‌انگاری‌های کلیشه‌ای، به این زخم کهنه اجتماعی بپردازد. آثاری که به جای «قهرمان از پیش ساخته»، «شخصیت‌هایی با تردید و باور» را به تصویر بکشند، همواره کم بودند. در این میان، سریال

«گذرگاه» به تهیه‌کنندگی محمد مصری‌پور، کارگردانی جواد میرزاآقازاده و نویسندگی امین و مصطفی حسینیون، مدتی است از شبکه یک پخش می‌شود و تلاش کرده نقطه عطفی در این حوزه باشد؛ اثری که هم زائر را درست انتخاب کرده، هم سوژه را با نیاز روز جامعه پیوند زده و هم در شیوه روایت، پیچیدگی‌های اخلاقی یک پرونده فساد را به درستی به تصویر کشیده است، بدون آن‌که به شعار یا سیاه‌نمایی تقلیل پیدا کند. این همان مدل روایتی است که با رعایت جزئیاتی چون حفظ ریتم داستان، بازی قابل اعتنای بازیگران و پرداخت دقیق چفت‌وبست‌های شخصیتی و روایی، می‌تواند مطالبه عمومی را جدی بگیرد و اعتماد مردم به ظرفیت‌های اصلاحی نظام مدیریتی را زنده نگه‌دارد. تجربه نشان داده که هرگاه تلویزیون توانسته روایتی همسطح یاد رک اجتماعی مخاطب ارائه دهد، نه تنها باعث افزایش امید اجتماعی شده بلکه زمینه را برای پیگیری رسمی مطالبات نیز فراهم کرده است.



زهرا عسگری

درام اجتماعی، بستر پرداخت به فساد سیستمی

یکی از رایج‌ترین اشتباهات در آثار سریالی و اجتماعی تلویزیون، انتخاب زائر نامناسب است. مثلاً گاهی برای روایت یک فساد پیچیده و لایه‌لایه از قالب اکشن پلیسی استفاده می‌شود یا برای پرداخت مسأله‌ای اجتماعی به بهانه روایتی جذاب به ملودرام‌های عاطفی پناه می‌برند و به این شکل فرصت بیان امری اجتماعی را فدای جذب مخاطب می‌کنند اما گذرگاه با درک درستی از

فرد سرور»، که «آسیبی ساختاری و قابل اصلاح در نظام نظارت» بازنمایی و روایت می‌کند.

این نگاه هم موجب بدبینی مخاطب به نظام نمی‌شود و هم او را در مقابل فساد منفعل نمی‌گذارد. برعکس، نشان می‌دهد که آگاهی و ایستادن یک شهروند آگاه می‌تواند یک پرونده پیچیده را به جریان بیندازد. در دورانی که مطالبه شفافیت و مبارزه با رانت به دغدغه اصلی نسل جوان تبدیل شده، چنین روایتی کاملاً در تراز انتظار عمومی قرار دارد. این سریال عملاً به تزریق یک «امید نهادی» کمک می‌کند؛ یعنی این باور که دستگاه‌های نظارتی و قضایی ظرفیت شنیدن و پیگیری یک فساد ریشه‌دار را دارند.

بزرگان‌هایی که مخاطب را شریک می‌کنند

بسیاری از سریال‌های اجتماعی از «روایت خطی بی‌باگشت» رنج می‌برند؛ قهرمان از اول قهرمان است، سرور از اول سرور، و تماشاگر فقط نظاره می‌کند که چه زمانی خوبی پیروز می‌شود. گذرگاه اما فهمیده که کشف فساد، فرآیندی است پراز شک، تردید و تغییر موازنه‌ها. مهم‌ترین عنصر داستانی در این سریال، «بزرگه انتخاب» است. در طول روایت، شخصیت‌های مختلف در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که میان ترس از دست دادن امنیت خود و باور به عدالت، مستاصل باقی می‌مانند. این دقیقاً همان جایی است که درام شکل می‌گیرد.

در گذرگاه، فیلمنامه‌نویس با مهارت نشان می‌دهد که یک کارمند معمولی شهرداری، یا حتی یک کشاورز ساده، یک مشاور حقوقی - نه فقط یک قهرمان از پیش ساخته - هرکدام در یک نقطه باید تصمیم سرنوشت‌ساز بگیرند که می‌تواند در کمترین حالت، آنها را در موقعیت بی‌باگشت اخلاقی قرار دهد. گذرگاه با روایت این ایستادن‌های هزینه‌دار، بی‌آن‌که شعار دهد، به مخاطب القا می‌کند که سکوت هزینه‌های پنهانی دارد که گاهی از هزینه اعلام خطر هم بیشتر است. البته از منظر شخصیت‌پردازی فرعی نیز گذرگاه به جای کلیشه‌های تکراری (همسایه ترسو، مأمور فاسد، وکیل بی‌اعتنا) آدم‌هایی ساخته که هرکدام

نمادی از یک نوع مواجهه با فساد هستند؛ سکوت راحت‌طلبانه، همکاری ترس‌آلود، مقاومت هزینه‌دار، و گاهی خیانت از روی ناچاری. همه اینها نمونه‌هایی هستند که مخاطب می‌تواند خود را با آنها قیاس کرده و همدلانه با داستان پیش برود. این تنوع، سریال را از دوقطبی ساده «خوب و بد» خارج کرده و به آن رنگ و بوی واقعی‌تری بخشیده است. به عبارت دیگر، گذرگاه جهان اخلاقی خاکستری ایران امروز را به تصویر می‌کشد؛ جهانی که در آن مرز قهرمان و ضد قهرمان گاهی تنها به یک تصمیم لحظه‌ای گره می‌خورد و این داستان را برای مخاطب باورپذیر می‌کند.

گامی در مسیر استانداردهای نوین روایت

وقتی تلویزیون به‌عنوان رسانه‌ای جریان‌ساز، سراغ سوژه‌های پیچیده و ساختاری می‌رود، طبیعتاً انتظار مخاطب از آن فراتر از یک روایت ساده خواهد بود.

مخاطب امروز، علاوه بر داستان، به دنبال شیوه‌ای نوین و استاندارد در بیان مسائل اجتماعی و حقوقی نیز هست. لازم است گفته شود گذرگاه در این مسیر، با وجود نقاط قوت قابل توجه، هنوز نتوانسته به اثری تمام‌عیار و بی‌نقص تبدیل شود. این واقعیتی است که نباید از آن عبور کرد، زیرا بررسی صادقانه نقاط ضعف، به اندازه تأکید بر نقاط قوت، برای رشد کیفی آثار آینده ضروری است.

همان‌طور که گفته شد، از امتیازهای اصلی این مجموعه می‌توان به انتخاب زائر مناسب، ایده‌محوری درست و قالب روایی نسبتاً سنجیده اشاره کرد. اما در اجرا، گاهی ناهماهنگی میان حرکت دوربین و بازی بازیگران، نوسان کیفی در برخی سکانس‌ها و توزیع نامتوازن صحنه‌ها در پیشبرد قصه دیده می‌شود. این ضعف‌ها هرچند ممکن است به چشم مخاطب عام نیفتد، اما نشان می‌دهد که گذرگاه هنوز به پختگی کامل نرسیده است. باید منتظر پیشرفت داستان باشیم، چراکه ممکن است آنچه در ذهن کارگردان برای پیشبرد محتوا در نظر گرفته شده، چنین ریتمی و انتخاب‌هایی را در روایت توجیه کند.

گمانه‌زنی‌های تازه درباره سریال «حضرت موسی (ع)»

نیست. او همچنین اشاره کرده بود که احتمال دارد سریال طی دو سال آینده روی آنتن برود. حاتمی‌کیادار این خصوص گفته بود: از تولد تا حلت حضرت را روایت خواهیم کرد و سریال در پنج فصل تولید می‌شود که هر قسمت ۵۰ تا ۵۵ دقیقه خواهد بود. روشی که به کار گرفته‌ایم، تعطیلی ندارد و بدون توقف، کار را تولید می‌کنیم. اگر شرایط به همین ترتیب جلو برود، پیش‌بینی می‌کنم یک سال و نیم تا دو سال آینده فصل اول سریال روی آنتن برود.

مجموعه تلویزیونی «موسی کلیم‌الله» با آماده شدن هر فصل پخش می‌شود و منتظر کامل شدن همه فصول برای پخش نمی‌مانیم. من دوست دارم واکنش‌های مخاطبان نسبت به هر فصل را دریافت کنم و در فصول بعدی با توجه به این واکنش‌ها پیش بروم.

یکی از عوامل فیلم اعلام داشته که پیش‌بینی می‌شود تعداد بازیگران ایرانی سریال زیاد شود. همچنین ممکن است برای برخی از نقش‌ها به فیزیک خاص و منحصربه‌فردی نیاز باشد و به اقتضای این نقش از بازیگران خارجی نیز استفاده شود. نسخه سینمایی این اثر که با نام «موسی کلیم‌الله» به وقت طلوع» پخش شد، لقب پرفروش‌ترین فیلم غیرکمدی جشنواره فجر را از آن خود کرد. مخاطبان نظرات مثبتی را درباره این فیلم و جلوه‌های ویژه متفاوتش که با تکنولوژی روز ساخته شده، بیان کرده بودند.

خبر جدید درباره بازیگران و ادامه تولید، گمانه‌زنی‌ها درباره سریال «حضرت موسی (ع)» را داغ کرد. جنگ تحمیلی سوم باعث توقف تولید برخی سریال‌های تلویزیونی و حتی نمایش خانگی شد.

تسنیم نوشت: خبر جدید درباره سریال حضرت موسی (ع) توجهات را به خود جلب کرده است. گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن بود که بهزاد خلج نقش حضرت موسی (ع) را ایفا خواهد کرد اما پیگیری‌ها نشان می‌دهد او قرار است نقش پدر حضرت موسی (ع)، عمران، را برعهده گیرد؛ نقشی که بیشتر علیرضا کمالی در نسخه سینمایی ایفا کرده بود. بهزاد خلج بیشتر به‌خاطر نقش آفرینی در سریال «آقای قاضی» شناخته شده است.

گمانه‌زنی‌ها درباره بازیگران جدید این پروژه همچنان ادامه دارد.

هرچند هنوز خبر رسمی از سوی تیم تولید اعلام نشده اما شایعات فضای مجازی حاکی از حضور مجدد مریلا زارعی، بهنام تشکر و فرهاد آئیش به‌عنوان بازیگران اصلی است. در کنار این اسامی، نام بهزاد خلج، سارا حاتمی، مه‌لقا باقری و آناهیتا‌دراگای نیز مطرح شده است. یکی از نکات مهم درباره تولید سریال حضرت موسی (ع) این است که این مجموعه قرار است در قالب پنج فصل ساخته شود. ابراهیم حاتمی‌کیا پیش‌تر تأیید کرده بود که هر فصل پس از آماده شدن به‌صورت جداگانه پخش می‌شود و منتظر کامل شدن تمام فصل‌ها



بازیگری کنار اجرا برایم تجربه‌ای دلنشین است

بودم و تصویر روشنی از آن داشتم. همین آشنایی ذهنی کمک بزرگی بود. وی همچنین در پاسخ به این سؤال که بسیاری از مجریان ترجیح می‌دهند فقط در حوزه اجرا فعالیت کنند اما شما هر دو مسیر را امتحان کرده‌اید، چه شد وارد بازیگری شدید، گفت: اولین بار که نقش جدی‌تری بازی کردم، در سریال «باخانمان» به کارگردانی آقای نیک‌نژاد بود. بعد از پخش کار، واکنش دوستان و همکارانی که با نگاه منتقدانه کار را دنبال می‌کردند برایم جالب بود؛ چون بازخورد مثبت گرفتم. همین دلگرمی باعث شد بفهمم می‌توانم گاهی در کنار اجرا به بازیگری هم بپردازم. البته انتخاب‌هایم محدود و حساب شده است اما اگر نقشی جذاب باشد، می‌پذیرم. شکیبا در ادامه به معیارش برای انتخاب نقش‌ها اشاره کرد و گفت: برایم مهم است نقشی که می‌پذیرم با کار قبلی‌ام متفاوت باشد. چون در بازیگری همچنان در حال تجربه‌کردن هستم و دوست دارم هر بار چیز تازه‌ای را امتحان کنم. هنوز خودم را بازیگر با سابقه نمی‌دانم؛ بیشتر در حال یادگیری‌ام و همین مسیر تجربه‌کردن برایم شیرین است. وی در پایان ضمن اشاره به بازخوردها نسبت به سریال کلینیک رؤیا و نقش خود در این سریال عنوان کرد: تا اینجا کار بازخورد منفی نداشتم و این موضوع برای من ارزشمند است. از نظر

ساختاری هم، سریال بسیار قوی است. نوع روایت و شیوه تصویری کار، کاملاً متفاوت و خلاقانه است. به‌نظرم سجاد مهرگان یکی از آینده‌دارترین کارگردان‌هایی است که هم در سریال و هم در سینما حرف‌های زیادی برای گفتن خواهد داشت.



شهرام شکبیا، مجری و بازیگر شناخته‌شده تلویزیون از حضورش در سریال «کلینیک رؤیا»، دلایل پذیرش نقش، تجربه همکاری با سجاد مهرگان و نگاهش به بازیگری و اجرا سخن می‌گوید. او اعتقاد دارد هر نقشی که متفاوت باشد برایش جذاب است و بازخورد مخاطبان، مسیر بازیگری‌اش را دلگرم‌کننده کرده است. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، وی در پاسخ به این سؤال که چه شد با توجه به سابقه اجرایی که داشتید، تصمیم گرفتید در این سریال بازی کنید، اظهار کرد: واقعیت این است که من قبل از اجرا هم تجربه بازیگری داشتم و در چند سریال و اثر سینمایی بازی کرده بودم اما مهم‌ترین دلیل برای پذیرش این نقش، اعتمادی بود که به سجاد مهرگان، کارگردان مجموعه داشتم. شکیبا ادامه داد: من و سجاد مهرگان یک رفاقت قدیمی و حرفه‌ای داریم و وقتی او بازی در نقش حاج حسن را به من پیشنهاد داد، مطمئن شدم همه جوانب کار را سنجیده است؛ هم برای این‌که من آسیب‌نبینم، هم این‌که کار خودش لطمه نخورد. همین اعتماد باعث شد بدون تردید پیشنهاد را قبول کنم. بازیگر سریال کلینیک رؤیا با بیان این‌که داستان سریال کمی متفاوت است و شاید در جامعه ماکتور دیده یا پذیرفته شده باشد، گفت: برای من همین متفاوت بودن شیرین بود. قصه‌ای است

خلاف عادت؛ چیزی که زیاد در قصه‌ها و زندگی روزمره نمی‌بینیم و همین می‌تواند جذابیت قصه را بیشتر کند. علاوه بر این، خود نقش هم برایم بسیار قابل لمس بود. فکر می‌کنم همه ما در اطراف‌مان نزدیک یا دور نمونه‌هایی مشابه دیده یا شنیده‌ایم. من شخصاً سال‌ها قبل در یک خانواده چنین تجربه‌ای را از نزدیک دیده